

فدائی اکنون حسن خط می ای را دنبال می کند بلکه ما می گوئیم حرکت عملی آنها در حیران اس خواب و مضمون اعلامیه هائی که آن نقل کردم، حسن ثنوری سلیم طلبا هائی را در دست خود پیچیده است. برای روسیدن مسئله کمی سیرسیرا موم "ثنوری عدم تسخ" به همان مفهوم سلیم طلبا هائی بوضوح می دهیم .

ما ثنوری "تسخ" را یک ثنوری روی روی سستی میدانیم چرا که عملاً یعنی ما زنده طغیانی می انجامد. اس "ثنوری" ارسوده هائی می خواهد که برای خلوگری ارگرسن بجران سیاسی در جامعه، دست ارمنا زنده و ما و منب در عرصه های مبارزه طغیانی بردارد. درین اس "ثنوری" یک مسئله اساسی محدودین میگردد. هما نظور که کنیم اتحاد "تسخ" و "جران" در جامعه، اگر به معنای خلوگری ارسود عملگردهما دهه های کاد در میان بوده و به عنایت دیگر به معنای خلوگری و ما صفا ارمنا رگرفتن بوده هائی مردم دربار بریکدیگر و با بوده هائی تا آکا مردم دربار سیرو هائی انقلابی، حسب تحریکات و طوطه های مد انقلابی است، ما سربا آن موا قعیتم و مصرف که هر طریق ممکن از "تسخ" به حسن معانی طلوگری کرد. اما مسئله اساسی اس است که اولاً چگونه مسوان ار حسن "تسخ" خلوگری کرد و درباری با بدمان "تسخ" به اس معنای "تسخ" به معنای که زرم هر روز و هتر با عد آن را کرمی کبیرد، یعنی به معنای ما زنده طغیانی، ما زنده مبریکرا سک و صدا مبرنا لیسئی واقعی بوده هائی مردم اسامتری فاش سد. فدا ثنان خلق اس دو کچه اساسی را ارسوده هرومی اندارد و لآخرم بدمان یک ثنوری روی سستی می افتد. چه کنی تسخ به معنای دامن ردن تسخه نما دهائی کاد درین بوده هائی، به منظور حاکمین کردن تسخه نما دهائی واقعی احصائی را بوجود می آورد؟ تا حره کتب ها کچه که دوران و سنان درین طوطه جسمی، معرفه اسداری اتحادی معان بوده هائی و سیرو هائی انقلابی است؟ بی گمان بنا بدیا سخ سما یعنی ناسد. اما چگونه بنا بدیا معانی هائی ارجحائی مینا زرد. بود؟ جرنا دامن ردن به مینا زنده طغیانی و هدا بت نما دهائی واقعی دریک بحرای صحیح؟ جرنا امسائی ما هبت و سربا به هائی طوطه کرا به رسانی حوا به هبت حاکمه و سانی عوام ارجحائی؟ چگونه مسوان بوده هائی ارجحائی اندادن بدمان نما دهائی کاد و مورد بسند ارجحائی بار - داس؟ آنا ما ارجحائی اندادن به سلیم و ما و دست بردن به مینا زنده طغیانی؟

هبت حاکمه جوده نما دهائی کاد در میان مردم ، که بوم و آکا هئی رسیده اند آن را صرا هم کرده است دامن مبرند

تسخ" و "ممانعار کرسن بحریکات" اس محوا و حان کلام فدا ثنان خلق دربار سیرو طوطه اسدال داسکا هاست. آنا بنانده ما رمان ج . ف . ح . سردرسیمود حسن راهی هدار داد؟

در بیان بکنه ای را سردر باب مذاکره سنی مدرنا سل بوضوح می دانیم:

رابطه مذاکره با بنی صدر و ثنوری تسخ

یکی نسبت که با کتب مذاکره نما ارجحائی رمانی کسه ناظر بر معان و موده هائی و سنا را رنا ثنان ناسد، کلا حاضر اس و اسنا و اسنا صنوان برای ما لاردن آکا هئی بوده هئا

استدلال چریکهای فدائی خلق برای عدم ادامه راه (عدم ادامه معان و موده هائی در برابر تها حتم ارجحائی به دنا نشگاه) این بود که: " رژیم می خواهد جورا متشنج نموده و از آن بزبان نبرو - های انقلابی بهره برداری کند. بنا بر این ما بنا بدیا کرای کنیم که این جویب وجود آید و آنرا دامن بزنیم". این جوهر اساسی استدلال و سیاست آنها در جریان شکست معان و موده هائی نشجو - یان ، دربار بر تها جم ارجحائی بود .

نسبت به ما هبت مد انقلاب و عرصه آن اسعا ده کرد و در مور د حوا دت داسکا ه سراس ما عده جود داسد. اما مذاکره ای که داسخونان بنسکا مانی مدرسه عمل آورد بدینه ارموضع یک مذاکره صولی و سربا به سنا را ریا ثینی و سنوان مکمل آن بلکه سربا به همان "تسخ" فدا ثنان خلق و دروا تسخ برای بنسین بوع سلیم در معان سل هبت حاکمه صورت می - گرفت. آنا مذاکره میگردیدنا به اس بنسجه برسد کسه کوبه و به چه شکلی معان و موده را در موردی که در آرا آن سخن شمس سکنسد؟ و کربه سنا سب اعلام شده سنی صدر کسه عمارت ارا و لنینما بوم به داسخونان آکا هوائ انقلابی برای برک دما تر جود و در عینا بصورت لیکرکی به داسکا ه سبود، دیگران بهی برای داسخونان آکا هوائ انقلابی نگدا شده د که معان و موده را با حادامکان ادا مدهند یعنی معظ در صورت رودر و مبریکر سنا مردم معان و موده را سکلی که سبش مرتب سکنسد. ■

ارنا حادجران های کاد در حاکمه که حاصل معان و موده و مینا زنده طغیانی بوده هائی، بلکه حاصل طوطه هائی و سنا سبائی ربا - کرا را به رژیم و حاصل برک سگر معان و موده زنده طغیانی جوم ارجحائی است ، خلوگری نمود .

چنین است معان و مفهوم "عدم ارجحائی تسخ" و "ممانعت ار کسرتن تحریکات". بنا بر این آنا ما حوا داسیم بگوئیم که اس ثنوری روی روی سستی ، یک ثنوری سلیم طلبا به و پاسقمسی است؟

سراس بنا به ما معتقدیم که سنا رمان چریکهای فدا ثنی خلق در ارجحائی ناکتیک جود سیر عرصه کلا ملا روی سستی ارجحائی پیشات روی روی سستی و اسب روا به سنا سنا گذاشت ، نوسل کسه فدرت حاکم و رها کردن بوده هائی، سنا سنا کرای، سربلزل ونا لآخره سلیم سگر در رشت سنا روی روی سستی و سوجه کرا به "عدم



داسخونان آکا هوائ انقلابی را به یورش با سنا ران و سنا حمله چما سنا ران و چا موکنا ن و سربدن و سنا سنا سنا ران ارجحائی سبائی یعنی خدمت به رجمکنان بار سنا هدا سب!



پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی